



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۴۱

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

سه شنبه ۴ شهریور ماه ۱۳۰۹ - غره ربیع الثانی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه
 داخله ۱۰۰ تومان
 خارجه ۱۲۰ تومان
 تک شماره: بکقران
 مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۰۹ * (غره ربیع الثانی ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) اجازه صدور مسکوک نقره برای مصارف قنصلگری چخانسور
- ۳) اجازه معافیت لوازم دفن مانخ از عوارض
- ۴) شور ثانی و تصویب الحاق ایران بقره داد تسهیلات کمربکی
- ۵) بقیه شور ثانی لایحه بانک فلاحتی
- ۶) موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز سی ام ارداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

کمیسیون قوانین مالیه بتاريخ ۲۶ مرداد تشکیل و لایحه نمره ۶۵۹۶ دولت را برای شور ثانی مطرح نموده و در نتیجه عین ماده واحده را برای تصویب تقدیم مجلس مقدس شورای ملی مینماید :

رئیس - ماده واحده قرائت میشود :
ماده واحده - برای پرداخت بودجه و اعتبارات خارج قنصلگری ایران در چخانسور و فراه مجلس شورای ملی اجازه میدهد مادی که وسائل صدور حواله وجه بمحل مزبور فراهم نیست برای قنصلگری مذکور سالیانه در حدود سی هزار قران پول مسکوک ایران از سیستان بچخانسور حل شود .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (خیر) آقای ماک هم موافقتند ؟

رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - قبل از دستور
رئیس - آقای زوار
زوار - قبل از دستور
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد .
رئیس - آقای فیروز آبادی (نمایندگان - دستور دستور) خوب میفرمایند دستور .
فیروز آبادی - بسیار خوب
[۲ اجازه صدور مسکوک نقره برای مصارف قنصلگری چخانسور]
رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به خروج پول برای چخانسور :

(مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

این مذاکرات مشروح بکصدور مجلس در جلسه از دوره هفتم تقنینیه .

دایره تنه نویسی و تحریر صورت مجلس

ملك مدنی - بل

رئیس - رای میگیرم به ماده واحده موافقین با ماده واحده قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) شویب شد .

[۳ - اجازة معافیت لوازم دفع ملخ از عوارض]
رئیس - خبر کمیسیون راجع به معافیت اثابیه ولوازم دفع ملخ از عوارض فراغت میشود

کمیسیون قوانین مالیه بتاريخ ۲۶ مرداد تشکیل و لایحه نمره ۳۴۹۷ دولت برای شورائی مطرح و چون اعتراضی نرسیده بود عین ماده واحده برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی میشود :

ماده واحده - کلیه مواد شیمیائی و اثابیه فنی که برای دفع ملخ باسم وزارت اقتصاد ملی از تاریخ ششم بهمن ماه ۱۳۰۸ ببعد وارد ایران شده و یا در آتیه وارد خواهد شد علاوه بر معافیت حقوق گمرکی از پرداخت هرگونه عوارض دیگری از قبیل عوارض راه و انبار داری و شانس لری و غیره نیز معاف میباشد .

رئیس - شورائی ماده واحده مطرح است . آقای ملك مدنی .

ملك مدنی - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده قبلاً هم عرض کردم با اصل گمرکات و بعضی مالیاتها کلیه مخالفم چیزی که هست مخالفتی که در اینجا می کنم به همان ملاحظه است که عرض کردم دولت فرضاً چیزی میگیرد از این جیبش توی آن جیبش ریختن است ضرری بدولت ابدأ در این چیزها وارد نمیشود نه بدولت وارد میشود نه به ملت وارد میشود اساس ندارد که از این چیزهایی که بجهت دفع ملخ می آید گمرک بگیرند بگویند مال دولت است بگیرند مال دولت است نظری که در این قبیل امور دارم عرض کردم بعضی چیزها داریم که ممنوع است ورودش و مضر است در مملکت چون اینطور است که اگر بنا شد يك چیزی را بگنجد گمرک معاف است معاف است عوارضش گرفته میشود بعد از آنکه در مملکت تصفیه ای ممکن است چیزهای دیگری را هم همین اسم وارد کنند شد با چار است برای تشکیلات خودش يك عوارض

و مضر باشد باین ملاحظه است که بنده مخالفت میکنم در این نوع مالیاتها و در گمرک مخالفم بلکه عقیده ام این است که ما عایدات مملکت را از استخراج معادن و ایجاد کارخانجات چندمقابل اینکه حالا داریم میتوانیم استفاده بکنیم بشرط اینکه دولت و ملت هر دو در این امور اقدام کنند و الا از گمرک گرفتن و گرفتن این چیزها چندان اهمیتی نمیدهم

رئیس - آقای ملك مدنی

ملك مدنی - آقای فیروز آبادی در شور اول این لایحه ...
رئیس - برای نویسنده ها دشوار است آقا بیاید اینجا ملك مدنی (پشت کرسی نطق) - در شور اول این لایحه حضرتعالی این فرمایشات را فرمودید و تا يك اندازه اینها مربوط باین لایحه نبود . وحشت آقا از این است که مبادا يك اشیائی وارد بشود که آنها ممنوع است در صورتی که در همان موقع هم بنده عرض کردم که آن اشیاء ممنوعه را خود دولت همانطوری که حضرتعالی هم نظر دارید بیشتر سعی است و هیچوقت ممکن نیست وارد بشود و اینهم يك چیزی است که خودتان هم فرمودید که فرقی نمیکند و اینهم يك چیزی است که سابقه دارد که لوازمی که دولت احتیاج دارد و جنبه عمومی دارد همیشه از عایدات گمرکی معاف بوده و آن نگرانی حضرتعالی هم هیچوجه بعقیده بنده مورد ندارد زیرا ما اطلاع داریم همانطوری که در شور اولش هم عرض کردم دولت خیلی دقیق است که اشیائی که ممنوع است وارد نشود و آنها هم ممنوع است و این فرمایش حضرتعالی بعقیده بنده موردی ندارد و جای نگرانی هم برای حضرت عالی باقی نیست .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در شور اول هم يك اظهاری کردم ناچارم گزارش مقرب آن عراض سابقم يك رفع نوبی از آقای فیروز آبادی بکنم . وقتی که در گمرک ما عوارض گرفته میشود بعد از آنکه در مملکت تصفیه ای ممکن است چیزهای دیگری را هم همین اسم وارد کنند شد با چار است برای تشکیلات خودش يك عوارض

وضع میکنند و شما می فرمائید اگر بگیرد یا بگیرد از این جیب خودش به آن جیبش است . تخیر این تقسیم شدن کار است طرز تشکیلات است باید این ترتیب باشد و این لایحه که آمده است از نقطه نظر این است که دولت کاملاً متوجه است به دفع کردن آفات زراعات در اینجا اگر نظر نماند باشد در دوره ششم تعقیب شد که این مسئله را باید تشویق کرد که مردم و ملت هم تشویق بشوند و قتیکه قانون در مجلس می آید که آزاد میکند وارد شدن سموم را برای دفع آفات زراعات تا ملت هم متوجه بشوند و قوای ملی جمع بشود هم دولت هم ملت که این آفت را از بین بردارند پس فلسفه کلی در این است آزاد کردنش که بنده عرض کردم . لاکن چیزی که بنده عرض میکنم اینجا نوشته است که بعد وارد می شود در اینجا يك قید قانونی بشود که مادام که احتیاج مقتضی است . آقای کارزونی در جواب بنده فرمودند که آیا فلانکس مطمئن است که این کی رفع می شود بنده عرض میکنم که نخر بنده مطمئن نیستم که کی رفع می شود می گویم مادامیکه این هست یعنی قید رویش بگذارند که این آزاد است وارد کردنش مادامیکه احتیاج هست آنوقت این مادامیکه احتیاج هست ، که باشد آن مسئله نظر دارم رفع می شود و الا بنده اساساً عرض میکنم يك اشیائیکه ممنوع است اسلحه الا آن ممنوع است داخل کردن مواد مخدره ممنوع است داخل کردن سموم ممنوع است يك مورد خاص می آید اجازه میدهد وارد کردنش را . مثلاً اسلحه برای قشونی نباید . این مقید می شود . مخدرات تا آن اندازه که اطباء اجازه بدهند . سموم از برای دفع کردن ملخ مادامی که احتیاج هست آن چیزها بیکه ظاهراً ممنوع است بعد که قانون استثناء میکند فلسفه اش را بیان میکند ممنوع است ولی مادامیکه این فلسفه موجود است وارد نمی شود . بنده از جهت توضیح این اظهار را کردم . مثلاً هم عقیده بنده این است که هر چیزی که قانوناً ممنوع شد بعد که استثناء با او بر نخورد فلسفه اش ذکر شود و قتیکه فلسفه اش ذکر شد باید آن اصل مستثنی منه چنان خودش باقی باشد این نظر بنده بود و جواب

فرمایشات آقای کارزونی را هم خواستم بدهم .
رئیس - آقای کارزونی
کارزونی - در جواب آقای فیروز آبادی يك نکته اظهار نمود و یقین دارم اگر چنانچه بنده عرض کنم قانع میشوند . این آزادی تنها برای این نیست که خود شخص دولت متصدی آن امور باشد . چه بسا هست که مردم وارد میکنند دولت بنا ندارد تجارت بکنند و سمومی که برای اینکار لازم است خود دولت وارد کرده باشد البته وظیفه مردم است که برای اینکار مجاز هم خواهند بود که وارد کنند حالا که اینطور شد اگر ما این قانون را وضع نکردیم هر کسی وارد کرد میگویند گمرکش را بپردازد آنوقت می که وارد کردم گمرک بدهم پول گمرک که میرود در خزانه میرود توی کیسه من ؛ خیر این قانون مال این است که هر کس بتواند آزادانه وارد کرده از تأدیبه مالیات هم معاف باشند . اما جواب آقای آقا سید یعقوب عرض کردم چون اصلاً آفت موقت به وقت معین نیست این معافیت یعنی این اجازه ورود هم ممکن نیست موقت بوقتی بشود اگر ما میتوانستیم آن طرفش را محدود کنیم اینطرفش را هم محدود میکردیم جنبه مالی مثلاً میفرمائید اگر ملخ نباشد مردم سمومی که برای دفع ملخ لازم است وارد میکنند برای اینکه با چای بخورند این يك چیزی است که فقط برای دفع ملخ است اگر ملخ باشد وارد میکنند اگر نباشد کارش چیست که وارد کنند ؛ البته این قید زاید است و قید را بیاورید یا بیاورید در ضمیرش مستتر است یعنی البته قند هم حتی در صورتی وارد میکنند که احتیاج ایجاد میکند در صورت عدم احتیاج هیچ چیزی را وارد نمیکند از این جهت خیال میکنم لزومی ندارد .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - رای میگیرم به ماده واحده با ورقه آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد
(اخذ رأی بعمل آمده شصت و هفت ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضرین ۷۵ باکثرت ۶۷ رای تصویب شد.

۴- شور ثانی و تصویب لایحه الحاق ایران بقرارداد تسهیل گمرکی]

رئیس - خبر کمیسیون امور خارجه شور ثانی مربوط با اجازه الحاق دولت ایران بقرارداد تسهیلات گمرکی منعقد در رأو:

خبر کمیسیون

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۲۵ امرداد ثانیاً لایحه نمره ۹۵۰۰ دولت را راجع بالحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی تحت مطالعه در آورده و چون اعتراضی نرسید بود عن ماده واحده سابق را تصویب و پیشنهاد میباید

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالی، راجع باینموضوع قرائت میشود:

خبر کمیسیون:

کمیسیون قوانین مالی، تاریخ ۲۶ مرداد تشکیل و لایحه نمره ۹۵۰۰ دولت را برای شور ثانی مطرح نموده و در نتیجه عن خبر سابق را تأیید و اینک برای تصویب تقدیم مجلس مقدس شورای ملی میباید

رئیس - ماده واحده قرائت میشود. ماده واحده - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد الحاق قطعی ایران را بقرارداد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی منعقد در رأو مورخه ۳ نوامبر ۱۹۲۳ (۲۵ خرداد ماه ۱۳۰۲) که مشتمل بر ۳۰ ماده و یک برتکل اختتامیه میباشد اطلاع دهد

رئیس - آقای فیروز آبادی فرمایشی داشتید؟

فیروز آبادی - بنده توضیحی میخواستم معنی این تسهیلات گمرکی را بفراهمند چون بنده خودم نفهمیده ام و نتوانستم بفهمم خواستم بفهمم این تسهیلات گمرکی چیست و الا با الغاء گمرک و تمام این چیز ها موافقم با تسهیلاتش هم موافقم اما چون نفهمیدم خواستم توضیح بدهند که ببینم یعنی چه تسهیلات گمرکی یعنی چه که بین المللی است

وزیر امور خارجه (آقای فروغی) - مبنی بر همان اساسی که خود آقایان موافق هستند حتی الامکان اگر ممکن بود (بعقیده جماعت زیادی شاید اکثر مردمی که نظر دارند در امور اقتصادی) که اصلاً گمرکات برطرف شود حالا که نظر به بعضی ملاحظات و بعضی جهات مجبوریم گمرک را داشته باشیم تمام ممالک دنیا آمده اند و این نظر را گرفته اند و گفته اند خوب حالا این قید را که باید نگهداشت پس حتی الامکان رفع نواقض را بکنیم و تسهیلات در آداب رسوم و در عملیات و کارهایی نکنیم که اعضاء و مامورین گمرکی در سرحدات باید معمول بدارند و طوری باشد که سریعتر و سهولتر مال التجاره از سرحدات عبور و مرور بکنند و آمده اند بک چیز های فنی را ملاحظه کرده اند و بک ترتیبیاتی که بی ضرر بوده است برای همه ممالک مقرر داشته اند و اکثر دول هم این ترتیبیات را قبول دارند و ما هم که اینجا مراجعه کردیم به گمرک خودمان اداره گمرک گفته اند ما اکثر این تسهیلات را هم میکنیم در عمل حالا برطبق قرار داد باشد چه ضرر دارد ملاحظه هم بفراهمید اداره گمرکات و اداره مالی و اینجا هم کمیسیون مالی و کمیسیون امور خارجه تصدیق کرده اند و بک

- اسامی رأی دهندگان: آقایان: شیخ البک - حاج فلاحین ملک - کازرونی - حکمت - ارکانی - حبیبی - عراقی - سجومی - ساکنیان - وهاب زاده - دربانی - احتشام زاده - حاج سید محمود - مفتی - فرهمند - قاضی نوری - حسینی میرزا دولتشاهی - بنکدار ایزدی - موقر - کیای نوری - عباس میرزا فرمانفرمایان - طابانخان - طباطبائی دیبا - هراز - میرزا یانسی - محمد علی میرزا نونشاهی - دکتر سنک - احمد - آقا سید یعقوب - بیات - بالیزی - عبدالحمین خان دیبا - اقبال - محمد ضیائی - ارباب کبیر - رهبری - امیر تیمور - آقا زاده - سزوارای - جلالی - محمد آخوند - نوحی - امیر دولتشاهی - لاریجانی - کاشانی - هزار جریبی - رفیع - آشتیانی - رحیم زاده - ملک زاده - فهیمی - حاج علی اکبر امین - دهستانی - بابائی - خواجوی - ناصری - مسودی - مولوی - آقا سید حسین آقایان - عامری - مؤید احدی - دکتر عظیمیا - قوام - شریفی - کفائی - زوار - ذوالقدر

چیزی ضرری است و فقط از برای تسهیل عملیات در رد کردن اجناس از سرحدات است.

رئیس - آقایانی که با مدلول ماده واحده موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد [بقیه شور ثانی لایحه بانک فلاحی]

رئیس - قانون راجع به تاسیس بانک فلاحی شور دوم ماده پنجم قرائت میشود. ماده پنجم - حق العمل قرض هائی که برای مقاصد فوق داده میشود از صدی چهار نباید تجاوز کند و منافع مزبور باید باصل سرمایه اختصاصی شعبه فلاحی افزوده شود. بانک فقط مجاز خواهد بود مخارجی که برای اداره کردن شعبه فلاحی ضرورت دارد برداشت کند - مبلغی که بعنوان ذخیره احتیاطی برای جبران ضررهای احتمالی باید تخصیص داد نیز جزو مخارج اداری محسوب خواهد شد.

تبصره - در صورتی که برای مخارج مذکوره در فوق صدی چهار کافی نباشد بانک مجاز است حق العمل را تا صدی شش بالا ببرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - اگر نظر محترم کفیل وزارت اقتصاد ملی باشد در شور اول راجع باین ماده بک عرایضی بنده عرض کردم بک تذکراتی هم آقای یاسائی دادند. عرایض بنده این بود که ما صحبت کردیم همینجوری که حق العمل را معین کردیم مخارج اداریش را هم معین کنیم اگر بتوانیم در خود قانون مخارج از برای این شعبه معین کنیم مثل اینکه راجع نه حق العمل را معین کردیم که صدی هشت تا صدی دو یعنی منتهی شد به صدی دو که مخارج حق الثبت را صدی دو قرار دادیم اگر همینجوری که حق العمل را معین کردیم صدی چهار باشد مخارج اداری آنرا هم معین کنیم دست دولت تا اندازه باز است یعنی در فشار نیست وزیر مسئول و برای دولت راه باز است که این اندازه تحمل نشود آنوقت معین است که صدی دو

کفیل وزارت اقتصاد ملی (آقای فروغی) - عرض کنم اینجا این ملاحظات را کردیم و این احتیاط را لازم دانستیم و البته امیدواریم که محتاج نشویم ملاحظه فرمودید دولت نظرش این بوده است که حتی الامکان در این فرضهائی که بارباب فلاحی داده میشود از طرف بانک ملی تحمیل بر مردم و استقراض کنندگان زیاد

وارد نشود و بهمین دلیل ماضی چهار پیشنهاد کردیم در صورتی که در این مملکت هیچ سابقه ندارد که صدی چهار قرض بدهند (صحیح است) ولیکن بعداً دیدیم ملاحظه فرمائید بک بانکی امروز پانصد هزار تومان دولت باوسر مایه داده پانصد هزار تومان امسال سرمایه دارد اگر تمام این مبلغ باستقراض برود منافع تمام امسال بیست هزار تومان می شود و این بیست هزار تومان یک مقدارش هم باید جزو مخارج ذخیره برود باقیش هم صرف مصارف اداری بشود جالا ملاحظه فرمائید این بیست هزار تومان در سال ماهی هزار و پانصد تومان می شود ماهی هزار و پانصد تومان یک بانکی که در طهران و در ولایات هم باید شعبه داشته باشد آیا خرج ندارد آیا زیاد است اینجا بنظر آمد که واقعا اگر حسن جریان امور بانک مستلزم این شد که قدری بیشتر خرج کند و این صد هزار تومان کفایت نکند آنوقت چه باید کرد؟ باز هم یک حقی معین کردیم که صدی شش بشود. اما اینکه می فرمایند البته راست است مجلس شورای ملی همیشه دائر است و همیشه هم از برای دولت راه باز است که بیاید و بگوید که ما دیدیم صدی چهار کم است و صدی شش باید باشد ولی تصدیقاً فرمائید که هر روز آمدن و مزاحم مجلس شدن این هم چندان تعریف ندارد. بنده نمشی دارم از آقایان که اعتماد فرمائید به بانک ملی و امنای دولت در این موضوع و این را تصویب فرمائید که اگر ما دوباره محتاج شدیم اینجا مزاحم مجلس شورای ملی نشویم

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات رئیس - کافی است؟

(اظهار شد - بل)

رئیس - رأی میگیریم بماده پنجم موافقین قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم قرائت میشود:

ماده ششم - قرضهائی که برای مقاصد سابق الذکر اعطاء میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت رسیده باشد و بر طبق قرار داد هائیکه بین بانک و

پول خوددش را وصول کند.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بلی این مسئله محل توجه بود مذاکره هم شد گمان میکنم در شور اول هم مذاکره کردیم این جا، البته خیلی خوب بود اگر ما میتوانستیم این مسئله ثبت اسناد را قید قرار ندهیم بهمین دلالتی که فرمودند ولی هر چه فکر کردیم دیدیم که چاره نداریم جز اینکه اینکار را بکنیم زیرا متأسفانه معاملات در مملکت ما سوابقی دارد که بکلی سلب اطمینان میکند از اشخاص و کسانی که می خواهند معامله کنند نسبت با املاک (املاکی که ثبت نشده) بنده خودم چندین سال در عدلیه بودم و قضایا را دیده ام آقایان هم همه اطلاع دارند هیچ ملکی (اگر ثبت نشده باشد) نیست که بهیچوجه من الوجوه بتوان بآن اطمینان داشت که مال صاحبش باشد و اینکه می فرمائید معتبر باشد بطور و از کجا معلوم کنیم که این معامله معتبر باشد. بچه وسیله دولت یا بانک یا امضاء بانک و اعضاء آن بفهمند و از کجا معین کنند که بنده که آمده ام و این ملک را کرو گذاشته ام این ملک مال من است غیر از ثبت اسناد بچه وسیله میشود فهمید هیچ وسیله غیر از این نیست. راست است البته امروزه ثبت اسناد در تمام مملکت نیست ولیکن خواهد بود همیشه که نباید اینطور باشد. الان وزارت عدلیه جداً مشغول است و دارد تأسیس میکند اداره ثبت اسناد را در ولایات ولیکن البته با کمال تأسف عرض میکنم تا یک مدتی آن تقاطیکه ثبت اسناد ندارند از این فایده محروم خواهند بود اما چه فایده از آنطرف هم ما نمی توانیم سرمایه بانک را در خطر بیندازیم. سرمایه بانک را حفظ کنیم و بخطر نیندازیم بهتر از این است که یک اشخاصی بیایند و هی متصل املاکی را که مال خودشان نیست در بانک کرو بگذارند و پول بگیرند بعد در سر موعدهش بانک به بینه که یا صلح به بچه اش کرده یا صلح بپدرش کرده یا صلح بزانش کرده در هر صورت یک شخص ثالثی از این میان پیدا میشود و از آن طرف هم در ظرف یک مدت قلبی سرمایه بانک از بین

میرود پس بهتر این است که ما عجله این را ترجیح بدهیم و این را بر خودمان نخر کنیم که بکعده عجله محروم بمانند از فوائد استقراض از بانک فلاحی تا اینکه اصل بانک فلاحی از بین برود. بعلاوه این را هم توجه خواهند فرمود که حتم نیست اشخاصی که در یک محلی ملک دارند و میخواهند استقراض کنند خودشان هم در آن محل ساکن باشند یعنی اشخاصی که میخواهند استقراض کنند همه ملکشان در یک جا باشد مثلاً در آن جایی که ثبت اسناد ندارد. خیر. بسا هست که بنده در مازندران ساکن هستم و میخواهم استقراض کنم اما در یک محلی غیر مازندران مثلاً در طهران یا نقاط دیگری که ثبت اسناد هست ملک دارم میتوانم آنرا وثیقه بدهم و حتم هم نیست که امسال آن ملکی را که می خواهم آباد کنم آن ملک را وثیقه قرار بدهم املاک دیگری که دارم و به ثبت رسیده است و وثیقه قرض قرار میدهم (صحیح است) در هر صورت چاره غیر از این نداریم. میخواستیم این کار را نکنیم ولی دیدیم ممکن نیست.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم که بنده در شور اول هم این عرض را کردم حالا هم باز از فرمایشات آقای وزیر قانع نشدم بعلمت اینکه توجه فرمائید بعرض. ما در ماده چهارم این قانون استقراض از بانک را مخصوصاً برای چند موضوع در نظر گرفتیم. یکی قنوانی که در اثر حوادثی بآثر شده پول بقرض او بدهند یکی هم کسی که بخواهد قنسات جدیدی احداث کند. ثانیاً برای اشخاصیکه یک محصولاتی که جزو صادرات مملکت است آن محصولات را زیاد کنند باز بانک بقرض آنها میدهد. تصدیق میفرمائید که کرمان یکی از ایالات بزرگ ایران است تمام زراعتش در عوطه شهر و بلوکات عمده اش باقنوات است و رودخانه فقط در گرمسیر است مثل جبرفت و بلوچستان و آنجاها ولی باقی جاها اغلب باقنوات است. حوادث آنجاها زیاد است و قنوات خراب میشود و مبلغ زیادی خرج آنها لازم میشود و ثانی

بر این محصولاتی که در نظر گرفتیم که جزو صادرات هستند کرمان تقریباً همه آنها را دارد: پنبه، نیل، چغندر، راس، ابریشم، پسته، بادام و تنباکو همه از محصولات کرمان است که جزو صادرات است آنوقت متأسفانه اداره ثبت اسناد که در همه جای ایران تشکیل شده است در ایالت کرمان تشکیل نشده است. در سال گذشته در بودجه ثبت اسناد بودجه ثبت اسناد کرمان گذشت اما اداره ثبت اسناد تشکیل نشد در امسال هم که هنوز تقریباً صد و چهل هزار تومان از بودجه ثبت اسناد باقی است هنوز تشکیلات ثبت اسناد داده نشده است مطابق این بودجه در کرمان هم تشکیل داده نشده است پس با این دو مقدمه که عرض کردم راجع بقنوات و راجع بصادرات کرمان از همه جا مستحق تر است باینکه مردمش هم تصدیق می فرمائید که فقیرترین تمام مردم ایرانند و آنوقت باین لایحه تمام آنها بکلی محروم می ماند پس نه تنواتشان آباد شده است و نه بصادرات توانسته ایم خدمت کنیم. اما اینکه می فرمائید که راه حلی پیدا نکردیم برای اینکه چه بکنیم. عرض کنم بنده در نظر دارم در شور اول هم عرض کردم منحصر نکنید به املاک ثبت شده لکن اگر چنانچه اینطور بنویسیم هر جا اداره ثبت هست باید البته ملک ثبت شده باشد معامله هم به ثبت برسد اما در جاهائی که نیست اگر مالکیت شخص بین مالک و رئیس بانک محرز شد و رئیس بانک اشکالی نکرد و فهمید این ملک مال بنده است و قبول کرد چه اشکال دارد این را عرض کردم منتهی آقای مخبر در آن جلسه یک جواب غیر صحیحی به بنده دادند یعنی بنده عرض کردم اگر کسی جواهر آورد و گرو گذارد چرا پول برایش ندهند. ایشان جواب دادند که بانک صرافی و استقراضی نیست و حال آنکه قصد بنده این جور نبود. ملک بنده را سیل خراب کرده جواهری می گذارم و از آن بانک پول میکیرم. پول میکیرم برای آبادی همین ملک نه برای کار دیگر. این است که بنده پیشنهادی کرده ام که بعد از جمله اینکه نوشته شده است

که: قرضهائیکه برای مقاصد سابق الذکر اعطاء میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت رسیده باشد یا املاکی که مالکیت مدیون در نزد اولیای بانک مسلم و محرز باشد و یا اشیاء قیمتی وثیقه در بانک بگذارد در این صورت چه اشکالی دارد. رفع این احتیاجات مردم هم میشود و این اشکالات هم از بین می رود

کفیل وزارت اقتصاد ملی - متأسفانه آقا توجه نفرمودند بر امراض من. اشکالت اینست: رئیس بانک چطور احراز بکند که این ملک واقعاً مال این شخص است که می آید گرو بگذارد. ملک تا دیشب مال من بود همه مردم هم عقیده داشتند مال من است و واقعاً هم مال من بود دیشب یک قبالة درست کردم باسم پسر و امروز می آیم و میروم در بانک و این واقعه که دیشب واقع شده بوی خانه خورم و یک ملائی را آورده ام آنجا و این قبالة را سجل کرده است رئیس بانک که غیب نمیداند که دیشب چه معامله شده. اشکال در اینجا است. عیب کار در خود ما است ما مردمانی هستیم که اینطور سوابق را در عملیات خودمان گذاشته ایم آنوقت مجبور میشویم که این قسم احتیاطها را بکنیم عرض کردم اینطور هم آقا نگران نباشند امروز ثبت اسناد را کرمان ندارد فردا خواهد داشت عجله نکنید فرض بفرمائید که این بانک فلاحی امروز تأسیس نمیشد شش ماه دیگر تأسیس میشد چه میشد؟ اگر اینطور میشد و اگر این لایحه را ما امروز نمی آوردیم و در مجلس آینده می آوردیم چه میشد؟ حالا هم همانطور بشود. بعلاوه بحض اینک این بانک فلاحی تأسیس شد مطمئن باشید که تلگرافات از کرمان خروار خروار میریزد بظهران که امان و دخیل ثبت اسناد در کرمان نیست و ما از فوائد بانک فلاحی محروم هستیم و از دولت نفعی داریم که ثبت اسناد را در اینجا دائر بکند بالاخره خود این یک وسیله میشود که ثبت اسناد در آنجا دائر شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای ملک
مالک مدلی - بنده عرضی ندارم
 عدله از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهاد آقای اورنگ:
 مقام منبع ریاست عالیہ دامت عظمة.
 پیشنهاد میکنم که کلمه ملک ثبت شده اعم از ملک مزروعی یا خانه یا مستقل یا جواهر بماده پنجم اضافه شود.
کفیل وزارت اقتصاد ملی - دو قسمت ...
رئیس - اجازه می فرمائید توضیح بدهند؟
کفیل وزارت اقتصاد ملی - بلی. بلی. بفرمائید
اورنگ - بنده با توضیحات آقای وزیر محترم اقتصاد ملی در یک قسمتش کاملاً همراهم و آن این است که صرف اینکه من مالک یک ملکی میباشم بانک نمیتواند اطمینان حاصل کرده باشد که این ملک ملک من است و من میتوانم استقراضی کرده باشم. بجهت اینکه معاینی را که اشاره فرمودند برای غالب املاک و غالب مستغلات و خانه های ما موجود است از مدتی باینطرف و ماهم تقریباً عادت کرده ایم بشوخی و اسمش را هم دبه می گذاریم و بشوخی یک دبه در می آوریم برای هر خریداری بهر صورت حالا این عادت در ما هست و اداره ثبت اسناد حالا آمده است و این عادت را می خواهد مرتفع کرده باشد هر قدر بما نصیحت کردند که این عادت خوب عادت نیست ما شوخی فرض کردیم و ثبت اسناد آمده است برای اینکه این شوخی را رفع کرده باشد بهر صورت در این قسمت که ما لا وزیر محترم اقتصاد ملی صحیح فرمودند راست است نمیشود اطمینان کرد اما حالا یک وجه جمعی هم ممکن است فرض کنیم که هم آن نظر دولت تأمین بشود و هم مردم یک قدری دست و بال شان باز باشد برای خاطر استفاده کردن شان غرض یک حمایتی است با آبادی زمین این اصل اصلی است. این غرض را اطرافش را اطراف نظرها را باید جمع کرد که باصل مقصود نزدیکتر باشیم و آن این است که در غالب

امکنه ممکن است فرضاً خانه بنده ثبت شده اما من آدمی هستم در گروس ملک دارم و ملک گروس من بواسطه تشکیل نشدن ثبت اسناد در گروس ثبت نشده اما خانه ام در شهر گروس یاد شهر طهران ثبت شده غالب املاک مردم در دهات واقع است. صاحبان آنها الان در طهرانند دارای خانه هستند خانه و مستغلاتشان در این جا ثبت شده اما ملکشان در طهران نیست در کرمان در دهات کرمان در رفسنجان یا در جای دیگر مملکت ایران واقع است و آن جاها هنوز ثبت اسناد نرفته یا اگر رفته هنوز آن املاک ثبت نشده است. حالا این آدم ملکش در نتیجه یکی از این محن هائی که آقای مؤید احمدی فرمودند خراب شده ویران شده می آید در بانک فلاحی چون این ماده اسمی نبرده است از نوع مالک همینقدر بطور اعم ذکر شده است ملک. من غرضم این است که در این بانک بتواند خانه ثبت شده در طهران را بگذارد گرو و از این وجه از این راه استقراض کند بشرط اینکه بانک مطمئن بشود با همان مقدمه ای که ثابت کند این وجه را برای آبادی آن مالک میخواهد صرف کند باین که مستغلات دارد و از مستغلات خودش میخواهد وثیقه بگذارد یا هر دو را ندارد فرض کنیم خانه ثبت شده ندارد ملکش هم ثبت شده نیست و از این هر دو محروم است می آید بانک را متقاعد میکند جواهر میگذارد بطوری که بانک متقاعد شود که وجوی را که در مقابل این جواهر استقراض میکند صرف آبادی آن ملکی میشود که قناتش بواسطه سیل از بین رفته است در صورتیکه بانک مطمئن بشود باز جواب میدهد که چون ماده قانون این است که باید ملک مزروعی وثیقه بگذاری و ملک مزروعی که نداری و نمیکگذاری جواهرات را هم بوثیقه قبول نمیکنیم این جور نمی شود جواهر، خانه ثبت شده مستغلات ثبت شده می شود وثیقه قرار داده شود برای گرفتن پول که صرف آبادی املاک بشود این طور وجه حل بنظر بنده رسیده است و روی این نظر هم این پیشنهاد را عرض کرده ام و من اعتقاد این است

که آقای وزیر محترم اقتصاد ملی موافقت بفرمایند که با این پیشنهاد موافقت شود و این عمل يك صورت خوشتری و خوشتری به خودش گرفته باشد.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - در قسمت عمده این پیشنهاد بنده موافق هستم زیرا که منظور هم همین بوده است از لفظ ملك هم منظور این بوده است و لفظ ملك را به آن معنی که ما در نظر گرفتیم به آن معنی متعارف نیست حالا اگر لازم میدانید اراضی و مستغلات را هم توضیح بدهد بنده مخالفتی ندارم. اما نسبت بجواهرات بنده نمیتوانم قبول کنم چون بانك آنوقت باید توسعه پیدا کند و این میزانی که ما مخارج برای او معین میکنیم و اینطور صرفه جوئی که آقایان نمایندگان در آن منظور دارند و این رعایتی را که میخواهیم از مردم بکنیم که حق العمل را از صدی چهار بیشتر و صدی شش نگیریم اینها سبب می شود که ما نمیتوانیم جواهرات را قبول کنیم برای این که آنوقت يك دستگاهی مخصوص می خواهد و لازم دارد که این کار را انجام بدهد این لفظ جواهر را از پیشنهاد حذف بفرمائید باقی آنرا بنده موافقم و گمان میکنم اگر اموال غیر منقوله مرقوم بفرمائید شامل همه آنها می شود یا هر عبارت که بشود جای این گذاشت بنده موافقم.

اورنگ - بنده با حذف لفظ جواهر از آخر پیشنهاد موافقت میکنم.

آقا سید یعقوب - غیر منقول بهتر است.

کفیل اقتصاد ملی - بله عبارت اینطور رسالت نوشته شود اموال غیر منقوله
یاسائی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید
یاسائی - بنده عرض میکنم اینکه آقایان میفرمایند در اطراف کلمه املاك گمان میکنم آنقدر لزوم ندارد در قانون مدنی ما هم هست مقصود از املاك اراضی است اراضی مزروعی و مستغلات است و هر نوع ملكی است که لغت ملك بر آن اطلاق شود و این يك کلمه عربی

است و الان فارسی شده است که همه خوب میفهمند و اینقدر توضیحات لازم ندارد و بنده خیال میکنم اگر باطلاق بگذارید بهتر است.

رئیس - مخبر نیست که بنده معتقد کبسیون را از او سؤال کنم و شوق جامع بنظر من اینطور می آید که اگر آقای وزیر امور خارجه قبول کنند که معنای ملك بمعنی مستغلات هم هست مقصود حاصل است و باین تکلف هم دیگر نمی افتیم.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - این را بنده عرض کردم که منظور همین است همانطور که آقا توضیح دادند قانوناً وقتی که ملك گفته میشود اعم از هر ملك غیر منقول است
اورنگ - آقا استرداد میکنم.

رئیس - منظور آقای کیا هم تأمین شد منظور همین بود
کیانوری - آن قسمتی را که آقای وزیر فرمودند که اموال منقول و غیر منقول باشد بهتر است.

آقا سید یعقوب - اینطور نیست. فقط گفتند اموال غیر منقوله

رئیس - آقا مباحثه با هم فرمائید. آقای مؤیداحدی هم همین نظر را گذاشتند تأمین شد. رأی میکنیم بماده ششم موافقت قیام فرمایند.
(اگر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود:
ماده ۷ - مبلغ قرض از پنجاه درصد قیمتی که خیره های بانك برای ملك معین می نمایند نباید تجاوز نماید.
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر محترم را توجه میدهم يك مقصودی و در مقام عمل باو ملاحظه بفرمائید در موقع اجرای این قانون حسن ظن نمیشود داشته باشیم اجرای قانون همیشه مشوب است به سوء ظن باین معنی که يك قانونی يك لایحه را دولت با يك حسن نیت پیشنهاد به مجلس میکند و مجلس هم با يك حسن عقیده که دارد رأی میدهد بعد میروند بدست دولت و دولت میدهد بدست مأمورین خودش و در مقام عمل همه میدانیم که

چه اشکالاتی درش ایجاد میشود بقدری آن ثابت و مأمورین اجرا برای آن اشکال تراشی میکنند که حقیقه آن کسی که میخواهد متوسل بقانون بشود باید برود و شاهد بیاورد که خرم نداشت. در اینجا حقیقه دولت از تشکیل بانك فلاحتی نظرش يك نظر ارفاقی و تقویت کردن روح فلاح و زراعت در مملکت است و همینطور که حق العمل را کم کرده است و هكذا تمام این موادی که اینجا هست تمام این مواد حقیقه این روح ارفاق را متوجه بوده است اما اینجا که میرسد يك مرتبه جلویش را میگیرد چطور؟ میگوید این ملكی که میخواهد وثیقه بگذارید اگر صد تومان قیمت داشته باشد پنجاه تومان میدهیم و قیمتش را هم باید خیره بانك بکند آن نظر ارفاقی که منظور است در این ماده محدود میشود بواسطه اینکه اولاً باید ملك صد تومان قیمت داشته باشد و پنجاه تومان قرض داده میشود کی هم قیمت میکند؟ خیره بانك پس شما يك اختیاری هم نسبت بقرض گیرنده بدهید شما بکلی مضیق و مقید نکنید من قبول دارم بنده

وزارت اقتصاد ملی را تصدیق دارم که خیلی و کاملاً در این باب باید احتیاط کاری بکند که پول بانك از بین نرود ولی باندازه که آن کسی هم که میخواهد استفاده کند اینقدر زنجیر و قید برای او ایجاد نشود شما میفرمائید باید خیره بانك تصدیق و تقویم کند بنده عرض میکنم در صورتیکه همه اختیارات در دست او باشد ما حقیقه آنقدر باو اطمینان نداریم که همه اش با حسن ظن معتقد باشیم که این خیره همه اش واقعیات را بیان میکنند پس در این جا عقیده بنده این است که این جور بکنیم که اگر اختلاف واقع شد خیره بانك اگر قیمت کرد صد تومان قرض گیرنده که خودش خیره و مصدق دارد دو برابر قیمت کرد در صورت اختلاف يك حقی به آن قرض گیرنده بدهند که وقتی که خیره يك قیمتی را معین میکند بتواند به آن قیمت کردن خیره بانك اعتراض کند چرا؟ برای این که این جا معین کردید که از صد تومان پنجاه تومان میدهد و در این موارد غالباً آن

نظر استفاده از بین می رود. این است که بنده این ماده را بر خلاف فلسفه و فایده که از ایجاد بانك در نظر است میدانم و آن منظور از بین خواهد رفت

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده بطریق اختصار جواب میدهم بدبختانه در بعضی مواقع ما ناچاریم باین که بعضی امور را باختیار بعضی اشخاص بگذاریم و چاره نداریم چه بکنیم؟ بملاحظه این که شاید بکوفتی يك خیره پیدا شود که خیلی سخت گیر باشد در قیمت حالا ملاحظه احتیاط را نکنیم نمیشود باید از حالا ملاحظه کرد و احتیاط کرد آنرا نمیشود از دست داد کارها را هم باید مردم بکنند بشر باید بکند بشر هم نواقصی دارد همه مان اینطور هستیم همه ما از جهت افراط یا از جهت تقربط يك نواقصی در کارمان هست و از جای دیگر هم غیر از بشر نمیتوانیم بیآوریم فرشته و ملائکه که نمیتوانیم بیآوریم همانطوریکه همه مان کار میکنیم آنها هم کار می کنند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - پیشنهاد آقا کیا قرائت میشود.

پیشنهاد آقای کیا
بنده ماده هفت را بطریق ذیل پیشنهاد مینمایم:
مبلغ قرض دو نلک قیمتی که خیره های بانك الی آخر **رئیس** - آقای کیا.
کیانوری - همانطور که آقای وزیر محترم فرمودند اختیارات قیمت به بانك داده شده و برای مالك هم اختیاراتی گذاشته نشده است بانك هم از بابت احتیاط قیمت را خیره خودش میکند و يك ملكی را که زیاده از قیمتش قیمت نمیکند اما برخلاف این سایر بانك ها هر قیمتی که میشود دو نلک پول میدهند اینجا نصف کرده اند بنده میخواستم تقاضا کنم که هر قیمتی که میشود با اینکه با احتیاط قیمت میکنند چه ضرر دارد که دو نلک پول داده شود باین جهت خواستم تقاضا کنم که این عبارت پنجاه در صد تغییر داده شود و دو نلک از قیمتی را که خیره بانك معین میکند نوشته شود.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده نمی‌توانم بگویم که این پیشنهاد را نفرمایند برای خاطر اینکه فکر هر دو طرف را باید کرد همانطوری که من نمیتوانم اطمینان بکنم که یک خبره نباشد که سخت گیر باشد و مالک صدتومانی را پنجاه تومان قیمت کند شاید یک خبره باشد که مالک را درست قیمت کند آنوقت اینجا اگر هفتاد و پنج درصد یعنی دوثلث اگر معین کنیم زیاد است و باید احتیاط را از دست نداد و عرض کردم که بانک را از نظر تجارنی باید ملاحظه کرد فقط و فقط یک مؤسسه تجارنی است و نباید بگوئیم که دولت یک سرمایه داده است باین مؤسسه و این یک مؤسسه دولتی است و دولت هم قوت دارد و پیش از دولت باید مردم را رعایت کرد این ملاحظه را بفرمائید که یک بانک تجارنی است و سرمایه باو میدهم که بانک تأسیس کند و تجارت کند آنوقت باید چه ملاحظاتی را کرد و چه احتیاطی را کرد همانطور باید ملاحظه کرد خود بانک مدیر بانک که این لایحه را در تحت نظر او ما تنظیم کردیم صدی پنجاه را هم او زیاد میداند او که نظری ندارد نظریات صرافی و بانکی و تجارنی دارد باین ملاحظه او میگفت صدی پنجاه زیاد است و منظور صدی پنجاه بود و ما صدی پنجاه کردیم و تصور میکنم از این بالاتر دیگر نشود قبول کرد.

عراقی - استرداد کنید.

کیانوری - استرداد میکنم.

رئیس - رأی میگیریم به ماده هفتم موافقین قیام فرمایند. (عدد برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود:

ماده هفتم - نسبت به قرضهائی که مدت آنها بیش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالانه ممکن است مبلغی بعنوان اقساط استهلاك منظور شود ولی مدیونین در هر موقع میتوانند دین خود را قبل از انقضاء مدت جزاً کلایر دازند در اینصورت آنچه از اصل که قبلاً تأدیبه

میشود برای مدت باقیمانده از تأدیبه منافع معینه در قرار داد معاف خواهد بود

رئیس - موقمی که ما به ماده هفت رأی گرفتیم معلوم شد که عدد بحد نصاب نبوده است باید دو باره به ماده هفت رأی بگیریم موافقین با ماده هفتم قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم مطرح است. آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - در این ماده نوشته است نسبت به قرضهائی که مدت آنها بیش از سه سال باشد مدیونین میتوانند دین خود را جزه کلایر دازند. بنده عقیده ام این است که مطلق قرضها باشد اگر یکساله هم باشد و مدیونین بخواهند دین خودشان را بپردازند دولت مکلف است که قبول کند بجهت این که این عمل بر نفع دولت است در واقع وقتی صاحب پول رفع احتیاجش را کرد و قشاش جاری شد و استفاده از پول کرد بخواهد پول را بدهد مانعی ندارد همان سال اول هم بتواند پول را بدهد و دولت هم باید قبول کند.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - مقصود هم همین است اگر عبارت وافی نیست ممکن است عبارتی پیشنهاد بفرمائید که برساند و الا مقصود همین است که پرداخت وجه جزه یا کلایر در هر موقع باختیار مدیون است این منظور است. (بکنفر از نمایندگان - این عبارت وافی نیست) گمان میکنم لفظ (ولی) را اگر بردارید درست میشود. که نسبت به قرضهائی که مدت آن بیش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالانه ممکن است مبلغی بعنوان اقساط استهلاك منظور شود. باز سر سطر. مدیونین میتوانند دین خود را قبل از انقضاء مدت جزه یا کلایر بپردازند

فیروز آبادی - اگر ولی نباشد شامل بعد میشود.

رئیس - در موقع پیشنهادتان صحبت کنید. آقای فهیمی **فهیمی** - گمان میکنم چیزی حذف شده است در طبع

رئیس - مخالفی نیست. رأی میگیریم بماده نهم موافقین قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم قرائت میشود:

ماده ۱۰ - در تمام قرار داد هائی که بانک بر طبق این قانون منعقد میباید باید مسائل ذیل تصریح شود
۱ - منظور از استقراض که باید با مقررات ماده چهار تطبیق نماید.

۲ - مبلغ و مدت قرض

۳ - مبلغی که استقراض کننده باید هر سال بابت منافع و قسط استهلاك بپردازد.

تبصره - سواد مصدق ورقه مالکیت به ضمیمه یک نسخه از قرار داد باید در بانک ضبط شود.

رئیس - آقای یاسائی.

یاسائی - عرض میشود بنده در کمیسیون اقتصاد ملی که بودم این مطلب را عرض کردم که با ربح صدی چهار مخالفم برای اینکه در یک ملکیتی که هیچ جا باینطور پول قرض نمیدهند ما اجازه بدهیم ببانک که باین ترتیب پول مردم قرض بدهند بنده مخالف هستم برای اینکه در سایر جاها فرع خیلی بیش از اینها است آنوقت در یک محل محدودی با یک سرمایه خیلی محدود اینطور قرض دادن که با صدی چهار معامله بکنند خیلی بی تناسب است اولاً باید معاملات این بانک هم در حدود معاملاتی باشد که خود بانک ملی میکنند ولی خوب دولت موافق نکرد و آقایان عقیده داشتند که این ترتیب باشد ولی چیزی را که بنده میخواستم حالا عرض کنم اینست که فرضاً

در حدود ماده چهار مستقرض تمهیداتی کرد و مقرراتی بین بانک فلاحی و آن کسی که تقاضای قرض میکند مقرر شد و امضاء شد برای کارهای فلاحی همه اینها نوشته شد بعد آن قرض کننده عمل نکرد سانکسیونش چه چیز است آمده اید فقط پول خزانه پول عمومی را به یک اشخاصی داده اید باریج صدی چهار اگر به آن قرار داد عمل

چون پیشنهاد را بنده دادم. این جا نوشته است مدیونین در موقع میتوانند این جا (هر) افتاده است. باید اینطور باشد که مدیونین در هر موقع میتوانند دین خود را جزه یا کلایر بپردازند باید این کلمه را اضافه کرد در طبع افتاده است بنده به آقای مخبر هم تذکر دادم.

رئیس - خود آقا پیشنهاد کنید کلمه (هر) را بگذارند. رأی میگیریم به ماده هشتم...

یاسائی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

یاسائی - عرض کنم عبارت را نفهمیدم نوشته است در هر موقع مدیونین میتوانند قبل از انقضاء مدت جزه کلایر بپردازند مقصود چیست؟ جزه یا کلایر - جزه و کلایر بالاخره این عبارت معنی ندارد بنده خواستم تصریح شود که چه چیز حذف شده است.

میرزا یاناس (بجای مخبر کمیسیون اقتصاد ملی) - در این عبارت اول باید (ولی) را زد و سر سطر شروع کرد بعد از مدیونین هم (هر) اضافه کرد که بشود (که) مدیونین در هر موقع میتوانند دین خود را قبل از انقضاء مدت جزه یا کلایر (یاسائی) - بایس باید اضافه شود آنوقت عبارت درست میشود

رئیس - شمارا آقای میرزا یاناس اخیراً بجای مخبر کمیسیون انتخاب کرده اند؟

میرزا یاناس - بلی موقتاً تا آقای مخبر تشریف ندارند.

رئیس - رأی میگیریم به ماده هشتم با اضافه کلمه (هر) قبل از موقع و (یا) بین کلمه جزه و کلایر و حذف (ولی) موافقین قیام فرمایند. (عدد زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده نهم قرائت میشود:

ماده نهم - مدت قرض از ده سال نباید تجاوز کند ولی رئیس بانک میتواند با اجازه شورای اداری مدت بیشتری معین نماید و این فقط در صورتی است که برای حصول مقصودی که از استقراض بر طبق ماده چهار در نظر گرفته شده بیش از ده سال مدت لازم باشد

نکردند چه میشود؟ این قانون سانکسیون ندارد و بانک فلاحتی فقط پول را پس میگیرد بنده ملتفت نشدم. اگر سانکسیونش در يك ماده دیگری هست بنده نخوانده‌ام بفرمایند و الا در این ماده که راجع بمقررات بین بانک و قرض کننده است همچو چیزی ندارد و نتیجه این میشود که يك اشخاصی برای توسعه فلاحت يك قرض‌هایی میکنند باصدا چهار و بعد میروند يك کارهای دیگری میکنند و اگر هم صد دوازده باشد همه همین معاملات را می‌کنند.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - توجه بفرمایند در ماده

بعد (ماده یازده) در اینجا يك ملاحظاتی در این باب شده و گمان میکنم کافی باشد (صحیح است)

رئیس - پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسیده قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم از ماده ۱۰ در جزء سوم کلمه و قسط استهلاك حذف شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - توجه بفرمایند. چون تفاوت پیدا میشود بین این جزء و ماده ۸. ماده هشت این بود که اگر استهلاك شد میتواند استهلاك بدهد یعنی شخصی که قرض کننده است میتواند بطور استهلاك يك چیزی بدهد. در این ماده ده نوشته که ملازم است بدهد و بنده با اینکه این مسئله اختیاری است و در اینجا الزامی میکند معتمد که مقتضی نیست و عقیده ندارم که الزامی بکنند چون خود ماده مستلزم امور الزامی نبود و در این ماده ده سه جزئی الزامی شده و آن چیزی که در آن ماده قبل الزامی نبود حالا در این جا الزامی شده این است پیشنهاد کرده ام جمله قسط استهلاك حذف شود باقی چیزها خوب است

کفیل وزارت اقتصاد ملی - ملاحظه بفرمایند. در

ماده نوشته: مبلغی که از استقراض کننده باید هر سال بابت منافع و قسط استهلاك بپردازد. اگر در قرارداد

وثیقه مخصوصی ندارد (بانتهای دولت نسبت به دریافت عوارض و مالیاتها) حق تقدم خواهد داشت. د - هر گاه قیمت ملك موضوع وثیقه در طی مدت استقراضی سی در صد تنزل نماید بانک حق خواهد داشت وثیقه دیگری از سایر املاک استقراض کننده تقاضا کند و هر گاه استقراض کننده مالك املاک دیگری نباشد بانک حق خواهد داشت هر نوع وثیقه دیگری بخواهد و در صورت امتناع استقراض کننده و یا عدم دسترسی بوثیقه دیگر بانک می تواند مبلغی از وجه استقراضی را که در مقابل آن وثیقه موجود نیست مطالبه نماید و بیش از سه ماه برای پرداخت مهلت ندارد. تقویم خبره‌هاى بانک سندیت داشته و غیر قابل اعتراض است.

ه - هر گاه وجه استقراضی برای کاری که منظور از استقراضی اعلام شده مصرف نشده باشد قرارداد استقراضی طعناً لغو می‌شود و بانک بوسیله مراسله سفارشی تأدیة كل مبلغ بدهی را از مدیون مطالبه نموده و در صورتیکه مشارالیه در ظرف شش ماه دین خود را ادا نماید بانک بفروش ملكی که بعنوان وثیقه در دست دارد اقدام خواهد نمود در مورد این فقره حق العمل از ابتدای استقراض تا روز وصول طلب بانک از قرار صدی دوازده محسوب خواهد شد.

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا يك ماده مفصلی است

هر چه بنده مطالعه میکنم می‌بینم دست دولت هم بیش از این نمیتواند بسته باشد. چاره هم ندارد از آنطرف می خواهد شعبه بانک فلاحتی تأسیس کند از طرفی هم حالات ما چنانچه آقای اورنگ اظهار کردند مسئله دبه و فلان در آوردن مردم است و دولت چه کار کند چاره ندارد. این ترتیبات نیست تمام این مقدمات را بنده قبول دارم الا دوجایش را که می‌خواهم بپرس آقای وزیر برسانم. یکی در همین ماده جزء پنجم است که آقای یاسائی فرمودند که مجازاتی برای قرض کننده معین نکرده اند مگر دار و الا مجازات خیلی زیاد است این جا نوشته اند و اگر استقراض کننده پول را بتهارف

آن چیزی که معین شده بود نرساند فلان. مگر شعبه بانک فلاحتی باید قضاوت بکند؟ او نمی تواند این کار را بکند. فرضاً راپورت دادند که این آدم پول را خرج این کار نکرده خود آن شخص گفته کرده باید شعبه بانک فلاحتی قضاوت کند؟ این نمیشود آقا...

دکتر عظیمیا - حکمیت میکند.

آقا سید یعقوب - این مسئله مسئله قضاوت است باید

در آنجا يك محکمه تشکیل شود او بگوید مدعی نباید بگوید نماینده مدعی العموم شعبه فلاحتی می گوید و خودش محکمه قضاوت تشکیل میدهد؟! این يك چیزی است که در مقام قضاوت نمیدانم شما چه جور این را می توانید حل کنید بفرمایند که برای توضیح خیلی خوب است. مسئله دیگر که در شور اول عرض کردم این است که شما شخص قاضی هستید. و در این جا آمده اید نوشته اید که تقویم خبره بانک سندیت و قطعیت دارد و غیر قابل اعتراض است بنده عقیده ندارم این جور بنویسید. اگر آمد و اختلافی پیدا شد و خبره بانک يك چیزی گفت خوب است قابل اعتراض باشد چرا این را قابل اعتراض ندانیم خبره بانک آمد و تقویم کرد بفلان اندازه من که مالکم اعتراض میکنم میگویم بی انصافی شده نسبت باین قیمتی که شده شما اعتراض بیک ترتیبی به پذیرید در آن شورای اداری بانک که دارید مسئله مسئله قضاوتی است. این است که نسبت باین مسئله اگر توجه بفرمایید بهتر است. مطابق ماده که بر میگردد بحکمیت اگر آمد اعتراض کرد بر تقویم مقوم انوقت رجوع بحکمیت بدهید يك حکم بانک معین کند و یکی هم استقراض کننده و اختلاف را به حکمیت خانم بدهید و غیر قابل اعتراض قرار دادن از عدالت قدری دور است.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - در قسمت اول تصور میکنم

ماده دوازده منظور آقا را تأمین کرده باشد بجهت اینکه اگر بیکه و نسیم بانک قرض را بدهد و دیگر دنبال

این کار نباشد آن شخص استقراض کننده پول بگیرد و برود هر کاری میخواهد بکند ولو اینکه تمهیدات خودش را ادا نکند بانک هیچ حرفی نداشته باشد این را کمان نمیکنم شما هم در نظر داشته باشید و مقصودتان این باشد اما اگر ما آمدیم و بانک را ذبح کردیم در اینکه يك نظری داشته باشد مثلاً شخصی قرضی کرد از بانک برای اینکه محصول ابریشم را توسعه بدهد این شخص اینکار را گذارد و رفت يك کار دیگری نکرده، گردش میکند چاره این چه چیز است؟ این برای بانک همینطور باید باشد؟ چاره این است که اگر بانک ملتفت شد و باو اطلاع رسید (صحیح یا غلط) که این طور واقع شده باید يك کاری بکند اخطار میکند بطرف مقابل که آقا شما تخلف کردید و باید پول ما را پس بدهید جریمه هم بدهید. البته او که فوراً پول را پس نمیدهد مگر اینکه يك آدمی باشد خیلی منصف و خیلی عاقل و واقعاً متوجه باشد و بداند که این جا يك خطائی شده و فائده ندارد و باید تحمل کرد والا در صد نود و نه طرف زیر بار نمیرود و خواهد گفت خیر تخلف نکرده ام. به بانک حق قضاوت نداده ایم حق مدعی شدن باو داده ایم

حالا بانک چه کند؟ آنوقت البته چیزیکه در همان ماده دوازده گذاشته شده است که هرگاه در حکمیت با بانک محکوم شد باید خسارت بدهد در باره اش اجرا میشود البته بانک ملاحظه میکند و بی جهت بيك راپورت بی ماخذ نميآید کربان مردم را بگیرد و بگوید شما تخلف کردی. زیرا میدانند طرف مقابل محاکمه خواهد شد. اگر محکوم شد خسارت باید بدهد. خلاصه تحقیقات خودش را کامل میکند آنوقت بطرف مقابل اخطار میکند که تو بوظایف خودت عمل نکردی. در این صورت کمان میکنم در این باب اعتراضی وارد نباشد و غیر از این هم چاره نداشتیم. اما در خصوص اینکه میفرمائید چرا خبره بانک حق غیر قابل اعتراضی داشته باشد این هم تصور میکنم چاره ندارد. این را بنده عرض کردم توجه داشته باشید عرض کردم نظر نکنید به بانک مثل

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوازده قسمت «د» بطریق ذیل نوشته شود.

د - هرگاه در طی مدت استقراض قیمت ملك موضوع وثیقه بیست در صد از ضعف مبلغ استقراض تنزل نماید بانک حق خواهد داشت اضافه مبلغ قرضی را تقدماً مطالبه و دریافت کند و یا آنکه وثیقه دیگری الی آخر

رئیس - آقای فهمی

فهمی - این موضوع چیزی بود که بنده در شور اول هم عرض کردم در ماده ۷ قید شده است که میزان استقراض از نصف قیمت ملك موضوع وثیقه تجاوز نکند پس حد اعلی را دولت معین کرده ولی لازم نیست که همه استقراض کنندگان حکماً این مبلغ را قرض کنند ممکن است کمتر از این قرض کرده باشند آنوقت بموجب این ماده همینقدر که صد سی از قیمت ملك تقویم شده تنزل کرد ولو اینکه باقی مانده از ضعف مبلغ استقراض هم بیشتر باشد باید يك وثیقه دیگر بدهد و این بر خلاف منظور است در صورتیکه مقصود دولت از این ماده این بوده است که ولو اینکه از آن ضعف هم صدی سی تنزل بکند باز بانک وثیقه نخواهد خواست از اینکه تجاوز کرد وثیقه جدیدی نخواهد. بنده نظرم این بود که مافاوت را روی مبلغ استقراضی قرار دهیم باین معنی که اگر قیمت ملك از ضعف مبلغ استقراضی تنزل کرد آنوقت وثیقه دیگر بدهند مثلاً کسی ملكی دارد ده هزار تومان میارزد در مقابل سه هزار تومان قرض کرده است قیمت ملك صدی سی که تنزل کند میشود هفت هزار تومان هفت هزار تومان هنوز از ضعف سه هزار تومان بیشتر است و هیچ جهتی ندارد که يك وثیقه دیگری نخواهد. ولی مطابق این ماده باید بانک وثیقه جدیدی نخواهد. بنده نظرم این است که اگر قیمت ملك از ضعف مبلغ استقراض تنزل کند.

آنهم نه این طور که بمحض اینکه صد تومان تنزل کرد يك وثیقه دیگر بدهد مثلاً میزان صد بیست اگر تنزل کرد از ضعف مبلغ استقراض آنوقت بانک حق دارد وثیقه دیگری نخواهد مثلاً سه هزار تومان يك کسی قرض کرده است در مقابل ملك ده هزار تومانی اگر قیمت ملك از چهار هزار و شصت تومان که يك صد بیست کمتر از ضعف مبلغ استقراضی است تنزل کرد آنوقت يك وثیقه دیگری نخواهد و الا تا وقتی که ضعف مبلغ استقراض با يك مبلغ بیشتری تأمین میشود وثیقه کافی است. و تقاضای وثیقه جدید بر خلاف مدلول ماده ۷ است که ذکر شده. این موضوع وقتی که در کمیسیون مطرح بود بنده فرصت نکردم شرفیاب شوم که خدمت آقایان عرض کنم بعد به آقای وزیر و مخبر مذاکره کردم خود آقای وزیر هم تصدیق فرمودند که نظر بنده مورد دارد و اظهار موافقت کردند. حالا پیشنهاد کردم.

فروغی کنیل وزارت اقتصاد - يك مرتبه دیگر بخوانند (بشرح فوق دو باره خوانده شد)

کنیل وزارت اقتصاد ملی - بنده اعتراضی ندارم. اگر آقای مخبر قبول بفرمایند بنده هم موافقت دارم رئیس - عقیده مخبر چیست؟ میرزا یانس - حالا که دولت قبول فرمودند بنده هم قبول میکنم.

رئیس - رأی میگیریم بماده دوازده با پیشنهاد آقای فهمی که دولت و مخبر توأماً قبول فرمودند موافقین قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۶- موقع جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است. لازم است خاطر آقایان را متوجه کنم که وزارت اقتصاد يك قسمت کارهای بالنسبه زیادی دارند و در مقام این هستند که آماده کنند يك مقدارش آماده است و سرعت مجلس را می خواهند

و قطع دارم که میل آقایان بانجام این منظور مساوی با
 بنده یا بیشتر از بنده است (صحیح است) بنا بر این اگر
 موافقت بفرمائید جلسه را یکشنبه (بکفدری جلوتر)
 بیندازیم (صحیح است) اگر حوائج وزارت اقتصاد بیشتر
 بود جلسات را هر قدر که مناسب بود قرار میدهم.

طلوع .. چه وقت ؟
 رئیس .. یکشنبه نهم شهریور سه ساعت قبل از ظهر
 برای اینکه چهار ساعت قبل از ظهر میسر نیست
 (مجلس يك ربع از ظهر گذشته ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه حمل سی هزار قران مسكوك ایران سالیانہ به چخانسونور

ماده واحده - برای پرداخت بودجه و اعتبارات مخارج قونسولگری ایران در چخانسونور و فراه مجلس شورای ملی اجازه میدهد مادی که وسائل صدور حواله وجه بمحل مزبور فراهم نیست برای قونسولگری مذکور سالیانہ در حدود سی هزار قران پول مسكوك ایران از سیستان به چخانسونور حمل شود
این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه چهارم شهریور ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

معافیت مواد شیمیائی و اثاثیه فنی دفع و ملخ از حقوق گمرکی و عوارض دیگر

ماده واحده - کلیه مواد شیمیائی و اثاثیه فنی که برای دفع و ملخ باسم وزارت اقتصاد ملی از تاریخ ششم ماه ۱۳۰۸ بعد وارد ایران شده و یا در آتیه وارد خواهد شد علاوه بر معافیت حقوق گمرکی از پرداخت هرگونه عوارض دیگری از قبیل عوارض راه و انبار داری و شانسلاری و غیره نیز معاف میباشد
این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه چهارم شهریور ماه ۱۳۰۹ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه الحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی

ماده واحده - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد الحاق قطعی ایران را به قرار داد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی منعقدہ در ژنو مورخه ۳ نوامبر ۱۹۲۳ (۲۸ خرداد ۱۳۰۲) که مشتمل برسی و يك ماده و يك برنکل اختتامیه میباشد اطلاع دهد .
این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه چهارم شهریور ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر